

The Reflection of Iranian hairstyles (coiffure) in the descriptions of Persian romantic poems (Fourth to Sixth centuries)*

Marjan Ebrahimi Kouhbanani¹ | Maryam Shayegan²
Mohammad Hojjat³

Abstract

1. Introduction

Study on people's daily life, aiming at understanding both science and art used by them, is among the most extensive categories of research world. Exactly it is during such studies that most uncertainties are resolved and new theories are formed. Adoring beauty is something rooted in human being's nature; for the same reason there is a desire to adornment in their nature. Hairdressing is an occupation that has long been recognized as a form of art and since literature of each nation is where one can find interests and inclinations of that nation, manifestation of this art is found in the ancient literature. In Persian literature, thanks to their lyrical nature and fictional form, romantic poems are one of the most important

* Article history:

Received 15 May 2021

Received in revised form 9 August 2021

Journal of Iranian Studies, 21(41), 2022

Accepted 24 August 2021

Published online: 28 June 2022

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. Email: ebrahimimarjan54@gmail.com
2. (Corresponding Author) Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Iran. Email: maryamshayegan46@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman Branch, Kerman, Iran. Email: mohammad_1457@yahoo.com

resources proving Iranian's inclination to adornment; as research on their descriptions about "lover" not only provides the reader with a sort of literary pleasure and joy, but also helps them to reach a better understanding about make-up and its different types and forms during different eras.

2. Methodology

In this basic descriptive-analytical research, both library method and note-taking tool were used. It is necessary to note that since adornment is a very extensive subject, only hairdressing in the well-known romantic poems of fourth, fifth and sixth centuries A.H. have been considered in this study. The purpose is gaining knowledge about Iranians' hairstyle in different times and comparing them to each other in order to resolve some poetic ambiguities and making them available for the interested researchers.

3. Discussion

Adoring beautiness has been illustrated in different extensive forms in the Persian poems; as most of them can be seen in the lyrical literature. Reflection of the "lover's" beauties across the romantic Masnavi¹ descriptions, apart from limitations one may face in other poetic forms like odes, proves how important poems are as valuable resources regarding Iranian desire to adornment. Throughout the cultural and social history of Iran, adornment had been recognized and accepted by all Iranian ethnics and religions. Adornment can be divided into several separated categories: head and face trimming, using clothes and ornaments, pointing to the fact that adorning hair is a subcategory of head and face trimming. To understand Iranians' adornment, hair usage and its synonyms including *Zolf*, *Ja'ad*, *Giss* and *Gisu* in the romantic poems were studied. While some differences found in the meanings of these words and terms, they only refer to hairstyle of

¹ poetry consisting of distichs riming between themselves

Iranian men and women. The necessity of conducting such interdisciplinary studies is that they not only resolve some poetic uncertainties, but they pave the way to start investigation in other fields such as history, social sciences and etc. and also can begin new and innovative ideas on various arts such as filmmaking, sculpture making and make-up.

4. Conclusion

Our study made it clear that along with the tight mouth, lip's speckle, tall height, arch eyebrow, narcissus eyes and etc. other descriptions such as long hair, lock of hair, blacks and fragrant hair are among the critics to perceive someone's beauty. Some hairstyles like braided, pinned hairs, dropping hair on forehead or shoulders, fragrant hair, using ornaments such as crowns and jewelry were common between men and women. However, there were styles which were only for women: center parting, using bonnets and scarves. The most attractive descriptions about hairstyles can be found in the sixth century poems and it seems that both content and origin of story and time and place of the poet have been very effective in description and explanation of hair adornment.

Keywords: Beauty; Hairstyles (coiffure); Iranian people; Persian romantic poems.

How to cite: Ebrahimi Kouhbanani, M., Shayegan, M., & Hojjat, M. (2022). The Reflection of Iranian hairstyles (coiffure) in the descriptions of Persian romantic poems (Fourth to Sixth centuries). *Journal of Iranian Studies*, 21(41), 1-29. <http://doi.org/00000000000000000000>



بازتاب آرایش موی ایرانیان در توصیفات منظومه‌های عاشقانه فارسی (قرن ۴-۶)*

مرجان ابراهیمی کوهبنانی^۱
مریم شایگان (نویسندهٔ مسئول)^۲
محمد حجت^۳

چکیده

زیبایی دوستی از ویژگی‌های فطری طبع بشر بوده؛ به همین علت تمایل به آراستگی در ذات انسان وجود دارد. ادبیات هر کشور، تجلی‌گاه علائق و تمایلات مردم آن مرز و بوم است. در ادبیات فارسی، منظومه‌های عاشقانه به دلیل ماهیت غنایی و شکل داستانی، یکی از مهم‌ترین منابع بازتاب آرایش و آراستگی ایرانیان هستند که واکاوی توصیفات معشوق در آنها، ضمن ایجاد التذاذ ادبی موجب شناخت آرایش و انواع آن در ادوار گوناگون، می‌شود. در این تحقیق بنیادین توصیفی تحلیلی با استفاده از روش کتابخانه‌ای و ابزار یادداشت‌برداری سعی شده به دلیل گستردگی موضوع آراستگی، فقط به بررسی آرایش مو در منظومه‌های عاشقانهٔ مشهور قرن‌های

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

DOI: 10.22103/JIS.2021.17595.2179

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۱، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱-۲۹

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حق مؤلف © نویسندگان



۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران. رایانامه:

Ebrahimimarjan54@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران. رایانامه:

maryamshayegan46@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران. رایانامه:

mohammed_1457@yahoo.com

چهارم، پنجم و ششم پرداخته شود. ضرورت انجام این قبیل پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در این است که علاوه بر رفع برخی ابهامات شعری، زمینه تحقیق در دیگر رشته‌ها همچون تاریخ، علوم اجتماعی و ... را هموار ساخته و می‌تواند در مواردی از قبیل فیلم‌سازی، مجسمه‌سازی و آرایشگری، منجر به ایجاد ایده‌های نو و خلاقانه گردد. طبق این پژوهش مشخص شد برخی از انواع آرایش مو مانند بافتن، بستن، رها کردن مو بر چهره، ریختن آن بر شانه، خوشبو کردن مو، استفاده از وسایل زینتی چون تاج و گوهر و ... بین زن و مرد مشترک و برخی مثل باز کردن فرق، استفاده از کلاه مخصوص و سرآغوش مختص زنان بوده است. زیباترین توصیفات آرایش مو در منظومه‌های قرن ششم به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد محتوا و خاستگاه داستان و زمان و مکان زندگی شاعر، در شرح و توصیف آراستگی مو، نقش بسزایی داشته است.

واژه‌های کلیدی: زیبایی، آرایش مو، ایرانیان، منظومه‌های عاشقانه.

۱. مقدمه

منظومه‌های عاشقانه فارسی یکی از منابع غنی در زمینه مطالعات گوناگون در زندگی ایرانیان به شمار می‌آید زیرا روزمرگی‌های مردم در قالب داستان، با دلنوازترین نغمه سروده شده؛ به دلیل اقبال عمومی تقریباً در همه اعصار دیده می‌شود. از سوی دیگر آراستگی یکی از فنون مورد توجه انسانهاست که به علت ماهیت غنایی و توصیف زیبایی‌های معشوق از ارکان مهم منظومه‌های عاشقانه است. بنابراین اهمیت این کتب در بررسی مقوله آرایش بر کسی پوشیده نیست. بر این اساس، موضوع آراستگی با محدودیت آرایش موی ایرانیان در سه قرن چهارم، پنجم و ششم در منظومه‌های عاشقانه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. بیان مسأله

منظومه‌های عاشقانه، با ترکیبی از سه مقوله عشق، شعر و داستان که هر سه از تمایلات فطری طبع بشر است مورد علاقه و توجه مردم واقع شده‌اند. داستان‌هایی که روزمرگی‌های

زندگی انسانها را در اعصار مختلف به تصویر می کشد. بنابراین در بحث مطالعات پیرامون ایرانیان و آداب و رسوم ایشان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آراستگی نیز یکی از صفات برجسته آدمیان است که در همه ادوار، مورد توجه بوده؛ زیرا اساس زیبایی دوستی در جان آدمی سرشته و با ذات او عجین است. این ویژگی در بین اقوام گوناگون مخصوصاً ایرانیان و همه ادیان از جمله اسلام دیده می شود.

ماهیت منظومه‌های عاشقانه، جز با محوریت معشوق و توصیف زیبایی‌های او شکل نمی گیرد. بیان این آراستگی‌ها اگر چه با کاربردهای ادبی، گاه اغراق آمیز به نظر می رسد اما در پس همین تعاریف ادبی، دنیایی از واقعیت‌ها، نهفته که ما را به سوی آداب و رسومی، نشأت گرفته از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران زمین، سوق می دهد که بسیار ارزشمند است. لذا این پژوهش در زمینه آراستگی ایرانیان در قرون گذشته با تکیه بر همین منظومه‌ها در پی پاسخ به این سؤالات است که: آراستگی در زندگی ایرانیان چگونه نمود یافته است؟ ملاکهای زیبایی موی معشوق چیست؟ انواع آرایش مو در منظومه‌ها به چه شکل بوده است؟ وجوه اشتراک و افتراق آرایش موی زنان و مردان به چه صورت است؟ آیا تفاوتی در آرایش مو در منظومه‌های مختلف دیده می شود؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در مورد آرایش، تحقیقات فرعی زیادی وجود دارد مثل بررسی پوشاک، زینت آلات، لوازمی از قبیل سرمه، اشاره به هفت قلم آرایش و ... که بخشی از یک مقاله یا پژوهش را به خود اختصاص داده اند ولی اینکه به طور خاص به آرایش مو، آن هم در منظومه‌هایی عاشقانه با محدودیت زمانی مورد بحث، پرداخته شود، در جایی دیده نشد.

۱-۳. هدف و ضرورت پژوهش

هدف از این پژوهش، ضمن رفع برخی دشواری‌های شعری، استخراج موارد کاربردی هنر و فنون ایرانیان است. اطلاع از نحوه آرایش ایرانیان در ادوار گذشته علاوه بر روشن شدن پاره‌ای از ابهامات شعری و استفاده در دیگر مطالعات اجتماعی، مردم‌شناسی، تاریخی

و ... می تواند در صنعت فیلم سازی، مجسمه سازی و ... کاربرد داشته؛ حتی الهام بخش ایده های جدید فن آرایشگری باشد.

۱-۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی و توصیفی تحلیلی بوده که با استفاده از روش کتابخانه ای و گردآوری اطلاعات از طریق یادداشت برداری به انجام رسیده است. در این پژوهش، سعی شده مقوله آراستگی و زیبایی مو به طور ویژه با تکیه بر منظومه های عاشقانه مشهور و در دسترس قرن چهارم تا ششم (۲۹ منظومه) مورد بررسی قرار گیرد. یادآور می شود منظومه های منتخب، گاه اثری مستقل با زمینه غنایی مانند ویس و رامین، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، خسرونامه و ... بوده است و گاه بخشی از منظومه ای با زمینه حماسی همچون عاشقانه های شاهنامه، ماجرای عشق جمشید و دختر گورنگ شاه در گرشاسب نامه و عشق پهلوانان به بانو گشاسب. گاهی هم داستانی است کوتاه و عاشقانه از یک مجموعه مثل داستان عشق رابعه و بکتاش در الهی نامه یا داستان شیخ سمعان در منطق الطیر عطار. همچنین در این پژوهش، دو اثر منتسب به شاعران بزرگ نیز بررسی شده؛ منظومه یوسف و زلیخا منتسب به فردوسی و خسرونامه منتسب به عطار و به دلیل نامشخص بودن شاعر منظومه بانو گشاسب نامه، در ارجاعات بین متنی از نام خود کتاب استفاده شده است.

۲. بحث

۲-۱. آرایش در اسلام

در آیات متعددی از قرآن کریم به آراستگی اشاره شده؛ از جمله: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» (اعراف: ۳۱): «ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی دارد.»

از ابو الحسن موسی بن جعفر - علیه السلام - پرسیدند: چگونه زینتی است که خداوند - عز و جل - می فرماید: «به هر مسجدی که وارد شوید آرایش خود را حفظ کنید؟» ابو

الحسن گفت: «از جمله، شانه کردن موی سر و صورت است که انسان را آرایش می‌دهد.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۲۸، همچنین ر. ک ← ابن بابویه، بی تا، ج ۱: ۲۹۷).

از امام علی (ع) به روایت امام صادق (ع) آمده که فرمودند: «خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست می‌دارد که نشانه نعمت بر بنده‌اش دیده شود.» همچنین از ایشان است: «آراستگی از اخلاق مؤمنان است.» (حکیمی و حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۲۱۴). آراستگی مو نیز از جمله مواردی است که بدان اشاره شده از ابو عبد الله صادق (ع) پرسیدند: «این زلف‌های مصنوعی که خانم‌ها به موهای خود پیوند می‌زنند، چه صورت دارد؟» ابو عبد الله گفت: «شایسته آن است که از پشم سیاه و یا موهای خود خانم بافته شود. اگر از موی خانم‌های دیگر بافته باشند، کار شایسته‌ای نیست.» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۶۴). از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: «یک درهم به مصرف خضاب رساندن بهتر از بخشش هزار درهم در راه خداست. در خضاب چندین خصلت خوب وجود دارد؛ از جمله مایه آرایش و معطر شدن انسان می‌شود.» (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۷۷). در این زمینه به ذکر همین احادیث که نمونه‌هایی از توجه بدین مهم است؛ بسنده می‌شود.

۲-۲. آرایش در متون نظم فارسی

زیبایی‌دوستی در شعر فارسی در اشکال مختلف و به صورت گسترده مطرح گردیده؛ به طوری که بیشترین آن، در نوع غنایی قابل مشاهده است. اشعار غنایی به علت ماهیت خاص خود، تجلیگاه زیبایی‌های ادبی و توصیفی فراوانی است. در این میان از دیرباز منظومه‌های عاشقانه بهترین ابزار برای بازتاب این زیبایی‌ها به حساب می‌آمدند زیرا قالب مثنوی مناسب‌ترین قالب برای بیان مطالب طولانی و ایجاد ارتباط عمودی شعر است. آراستگی و زیبایی معشوق صرف نظر از اختلاف سلیقه فردی و اجتماعی و زمانی و مکانی، مهم‌ترین عامل کشش عاشق به سوی او بوده؛ در نتیجه، داستانی عاشقانه رقم می‌خورد. باید توجه داشت غزل نیز جامه‌ای زیبا بر قامت موزون آراستگی است اما مثنوی، محدودیت غزل را ندارد و دست شاعر را باز می‌گذارد تا هر جا که بخواهد عنان سخن را در اختیار

گرفته؛ در سرزمین شعر جولان دهد و این امتیاز ویژه‌ایست که اهمیت منظومه‌های عاشقانه را به عنوان منابعی ارزنده در زمینه آراستگی ایرانیان مشخص می‌نماید.

۲-۳. معانی و مفاهیم

۲-۳-۱. آرایش: لغت‌نامه دهخدا معنی آرایش را که (از پهلوی آرایش) اسم مصدر آراستن گرفته شده؛ «زینت، تدبیح، زبرج، حلیه، تنقیش، زخرف، تجمل، تزین، تحلی، تقین، پیرایه و...»، ذکر کرده‌است. طبق بررسی‌های انجام شده در منظومه‌های عاشقانه، آراستگی را می‌توان به چند مقوله مجزاً تقسیم کرد: آرایش سر و صورت، استفاده از پوشاک و به کار بردن زیورآلات که آراستن موی یکی از زیر شاخه‌های بخش آرایش سر و صورت است. در داستان‌های غنایی، موی یکی از عناصر زیبایی معشوق به حساب می‌آمده:

سخن رفت از بانوی ماه‌وش	به وصفش دهان، هر کسی کرد خوش
ز زلف و رخ و خال و ابروی او	وزان نرگس چشم بر روی او...
ز زلفش که دل‌بند عشاق بود	ز زورش که مشهور آفاق بود

(بانو گشسب‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۱۶)

در منظومه‌های عاشقانه از جعد، زلف، گیس، گیسو و مو نام برده شده که به تفکیک به بررسی هر کدام پرداخته می‌شود با یادآوری این مطلب که اگر چه این واژه‌ها به ظاهر در ردیف معنایی یکسانی قرار می‌گیرند اما تفاوت‌هایی در معانی آنها دیده می‌شود.

۲-۳-۲. جعد: در معنی جعد در لغت‌نامه‌ها آمده: «موی مرغول که آن، پیچ و تاب باشد و زلف و کاکل خوبان را نیز گویند وقتی که آن را شاخ شاخ کنند و بعد از آن پیچند.» (برهان). همچنین: «موی پیچیده، موی شکسته، موی مجعد، وژگال (ژولیده و درهم برهم)، مقابل خوار و فرخال (بی حرکت و بی شکن و فروهشته) و موی کوتاه.» (لغت‌نامه دهخدا). زلف، گیسو. (آندراج). در داستان بهرام و دختران آسیابان از جعدمویی در کنار ماه‌رویی و مشک‌بویی به عنوان ویژگی پسندیده زنان، نام برده شده‌است:

همه ماه‌روی و همه جعدموی	همه چربگوی همه مشک‌بوی
--------------------------	------------------------

(فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۵۱)

به نظر می‌رسد در منظومه‌های عاشقانه مورد بحث، جعد به معنی مو نیامده بلکه حالتی از انتهای مو بوده؛ در زال و رودابه می‌خوانیم:

سر زلف جعدش چو مشکین زره
فگنده‌ست گویی گره بر گره

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۵)

در همین منظومه صراحتاً از سر زلف که حلقوی شکل است یاد شده:

دهانش، به تنگی، دل مستمند
سر زلف چون حلقه پایبند

(همان: ۱۱۳)

در منظومه ورقه و گلشاه نیز آمده:

همه جعد او حلقه همچون زره
همه زلف او بند و تاب و گره

(عیوقی، ۱۳۴۳: ۶۹)

فخرالدین اسعد گرگانی در منظومه ویس و رامین از جعد پیچان می‌گوید.
(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۴۸). عطار نیز در خسرونامه با تعبیری دیگر چنین آورده:

چو جیم جعد را آورد در پیچ
هزاران دل چو واو عمرو برهیچ

(عطار، ۱۳۵۵: ۱۰۷)

۲-۳-۳. زلف: در معنی زلف علاوه بر آنکه فرهنگ فارسی معین آن را به معنی موی سر و گیسو آورده است صاحب آندراج می‌نویسد: «برای موی چند که بر صدغ (مابین چشم و گوش مردم) و گرد گوش روید و مخصوص محبوبان است استعمال کنند و این مجاز است از جهت سیاهی.» دهخدا به نقل از غیاث می‌نویسد: «جمع زلفه که به معنی پاره شب است به همین مناسبت در فارسی موی مخصوص قریب گوش را زلف گویند، چرا که هر دو سیاه می‌باشند. لفظ زلف، مخفف زلفین باشد به معنی زنجیر است، پس به جهت تشبیه بر موی صدغ اطلاق کنند.» زلف در شعر شاعران ایرانی، مخصوصاً در منظومه‌های عاشقانه کاربرد زیادی دارد و به ویژگی‌های خاص آن اشاره شده؛ از جمله سیاهی آن:

چو بهرام ستمگر چشم جادوش
چو کیوان بدآیین زلف هندوش

(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۹۰)

چو شاه روم بود آن روی نیکوش
 دو زلفش پیش او چون دو سیه پوش
 (همان: ۴۸)

نفیسی در ناظم‌الاطباء در معنی زلف آورده: «آنچه از موی سر که بر بناگوش و جلو گوش آورده و به طرز مخصوص تعبیه کنند. گیسو، بسوته (زلف و موی مرتب سر)، طره (موی پیشانی)، کاکل (موی میان سر پسران و مردان)، جعد، دسته موی، مویی از سر را که مردم پس و پیش گوش دسته کنند به معنی زلف آورده‌اند. (آندراج). دهخدا نیز می‌نویسد: «آنچه از موی بر روی باشد کوتاه. موی دو قسمت بوده و هر قسمتی را یک زلف می‌خوانده‌اند. هر یک از دو دسته موی که بر دو طرف روی افتد. موی سر که تا محاذات آخر گوش بریده باشد». با توجه به اینکه در بیشتر منظومه‌ها از دو زلف نام برده شده؛ طبق آنچه در لغت‌نامه‌ها آمده؛ به نظر می‌رسد منظور از زلف، همان موی کوتاه اطراف دو گوش است:

دو زلف از بوی و خم چون عنبر و
 دهانی همچو تنگ شکر و میم
 جیم

(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۳۰۱)
 کشیده قامتی چون نخل سیمین
 دو زنگی بر سر نخلش رطب‌چین
 (نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۴۳)

نظامی با آوردن این ابیات در هفت‌پیکر:

رسن زلف تا به دامن پیش
 کرده مه را رسن به گردن خویش
 جعد بر جعد، چون بنفشه داغ
 به سیاهی سیه‌تر از پر زاغ
 (نظامی، ۱۳۸۸/ب: ۲۷۴)

به این نظریه قوت می‌بخشد که زلف در هر دو معنی موی کوتاه و بلند به کار می‌رفته زیرا وقتی از رسن زلفی صحبت می‌شود که بلندای آن از دامن هم بیشتر بوده؛ معنی قبلی زلف را که به موی کوتاه اطلاق می‌شده؛ نقض می‌کند. پیشتر از او، عیوقی نیز در ابیاتی از ورقه و گلشاه، زلف را به معنی موی بلند می‌آورد زیرا تاب زیاد در موی بلند دیده می‌شود:

بتی بود پرطرف و پر حسن و زیب
فکنده به لؤلؤبر از لاله، بند
سمن برگ او زیر مشکین گره
ز عنبر نهاده بگل بر کله
همه روی حسن و همه موی میم
دو چشم از عتیب و دو زلف از نهیب...
پراکنده بر سرو سیمین، کمند...
گره بر گره صد هزاران، زره
ز سنبل علم بسته بر سنبله
همه زلف تاب و همه جعد جیم
(عیوقی، ۱۳۴۳: ۸)

ناگفته نماند در متون کهن، «زلفِ دوتا کنایه از زلفِ خم در خمِ معشوق» (عفیفی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۲۶۴) نیز می‌تواند باشد و گاهی «زلف و خال» که با هم آمده، ممکن است «کنایه از آرایش و زینتی باشد از طلا و لاجورد که بر روی عروس در شب زفاف کنند.» (برهان).

۲-۳-۴. **گیس:** گیس به معنی موی بلند سر زنان است. (آندراج). موی بلند و خم‌دار جزو زیبایی و آرایش مو به حساب می‌آمده است. در توصیف دختر گورنگ‌شاه می‌خوانیم:

سرگیس در پای چنبرکشان
خم زلف بر باد عنبرفشان
(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۶)

۲-۳-۵. **گیسو:** در معنی گیسو صاحب آندراج گوید: «موی درازی که از دو جانب سر کشیده باشد و این غیر از زلف است.» دهخدا می‌نویسد: «ظاهراً گیس و گیسو بر موی بلند سر اطلاق شود و اختصاص به موی جانبی از سر ندارد. اما بیشتر اطلاق آن بر موی سر زنان باشد و گاه در مردان.»

کمندی کرده گیسوش از تن خویش
فکنده در کجا، در گردن خویش
(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۵۶)

اما با توجه به بیت زیر به نظر می‌رسد تفاوتی بین زلف و گیسو وجود داشته است:
رخش دیبا و اندامش حریر است
دو زلفش غالیه، گیسو عبیر است
(اسعد گرگانی، ۱۳۹۵: ۴۸)

اگر چه غالیه و عبیر در ابیات، عموماً به معنی بوی خوش آمده اما در حقیقت تفاوت-هایی با هم دارند. غالیه «اسم بوی خوشی است مرکب از مشک و عنبر و جز آن به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند.» (ابن سینا، ۱۳۸۸: ۱۱۰). در ذخیره خوارزمشاهی آمده: «خضاب‌ها سه نوع است سیاه کننده و دیگر اشقر کننده و سه دیگر سپید کننده.» (جرجانی، ۱۳۹۱، ج ۸: ۱۶۶) و غالیه از نوع سیاه کننده است. (همان: ۱۶۸). «عبیر ترکیبی است که زعفران نیز به آن افزوده شده است.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۳: ۵۶۷). «عبیر نوعی از خوش‌بوهای خشک که بر جامه پاشند، نام خوشبویی که از صندل و گلاب و مشک سازند.» (بهاء الدوله، ۱۳۸۷: ۳۵۷). شاید به خاطر همین تفاوت، عبیر به سبب بلندی گیسو و قرار گرفتن آن بر جامه، برای گیسو به کار برده شده است. قابل ذکر است این مواد علاوه بر بوی خوش، از فواید طبی نیز برخوردار بودند. با توجه به آنچه در قرابادین آمده: «شمومی که امراض بارده دماغی را سود دارد و این را غالیه گویند.» (عقیلی علوی، ج ۲: ۱۰۴۰). «عبیر ملک شاهی معطر و مقوی دل و دماغ است.» (همان: ۱۰۹۳)، به نظر می‌رسد استعمال آنها برای مو، می‌تواند دلیل طبی نیز داشته باشد.

۲-۳-۶. **مو:** شاعران در منظومه‌ها، گاه از واژه مو و گاه از زلف، جعد، گیس و گیسو استفاده نموده‌اند. در پاسخ به این سؤال که آیا اساساً تفاوتی بین این مفاهیم وجود داشته یا خیر؟ با توجه به توضیحات داده شده باید گفت اختلافاتی در معنای آنها وجود دارد. بر اساس بررسی منظومه‌های مورد مطالعه، شاعران آرایش‌های مخصوص مو را در اشعارشان به صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان کرده‌اند که در دوبخش آرایش موی زنان و مردان به آن پرداخته می‌شود.

۲-۴. **انواع آرایش موی زنان:** آرایش موی زنان را می‌توان در انواع ذیل طبقه‌بندی نمود:

۲-۴-۱. **بافتن مو:** بافتن مو نوعی از آرایش بوده که به دو صورت دیده می‌شود:

الف. بافتن از ابتدا تا انتهای مو که شکل زنجیری می‌گرفته است:

بت زنجیرموی از گفتن او برآشفت، ای خوشا آشفتن او

(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۵۸)

ب. فردوسی در زال و رودابه از نوعی آرایش مو می‌گوید که بُن مو را که روی سر قرار می‌گرفته با یاقوت و گوهر می‌بافتند مانند تاج یا تل مو که امروزه استفاده می‌شود. این بافتن فقط مخصوص روی سر بوده و ادامهٔ مو، در حالی که بدان مشک و عنبر زده شده؛ فروهشته و رها، آویزان می‌کردند. سر زلف نیز حلقه‌دار و گره بر گره بوده‌است:

از آن گنبدِ سیم، سر بر زمین	فرو هشته بر گلِ کمندِ کمین
به مشک و به عنبر سرش تافته	به یاقوت و گوهر بُنش بافته
سر زلف جعدش چو مشکین زره	فگنده ست گویی گره بر گره

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج: ۱، ۱۱۵)

بر خلاف آنچه در منظومهٔ زال و رودابه آمده؛ استفاده از گوهر در آرایش مو در منظومهٔ یوسف و زلیخا به شکل دیگری آمده؛ بدین صورت که از گوهر، برای بافتن کل موها استفاده می‌شده‌است.

همه گیسویش را به گوهر بیافت	که همچون ستاره ز رویش بتافت
فرو هشته بر سرو سیمین طراز	برنگ شب تیره شد تیره باز
چو ابریشمی تیره و تافته	چو مشکین کمند گهر بافته
بناخن زره بافت از مشک ناب	در آویخت از گوشه آفتاب
بیفکند مشکین زره بر زره	درون پر فروغ و برون پر گره
بر آویخت از گوشه صد خوشه دُر	بر آن اختران رشک بردند پر

(فردوسی، بی تا: ۱۶۸)

۲- ۴- ۲. **بستن مو پشت سر:** از نمونه‌های دیگر آرایش مو بوده:

گه آوردن، بهار تر در آغوش	گهی بستن، بنفشه بر بناگوش
---------------------------	---------------------------

(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۱۱۸)

این بیت ممکن است آرایش مو با گل بنفشه را نیز تداعی کند اما تشبیه مو به بنفشه در ابیات دیگر نیز رواج داشته است مانند آنچه در منظومه ویس و رامین، مستقیماً به آرایش ویس اشاره دارد:

چو دایه ماه خوبان را بیاراست
بنفشه بر گل خیری پیراست
(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۹۰)

در این بیت، مو به سبب کبودی و عطرآگین بودن به بنفشه تشبیه شده و چهره به گل خیری که در رنگ‌های مختلف از جمله سرخ و سفید دیده می‌شود. در برهان آمده گل همیشه بهار، همان است.

۲-۴-۳. **بلندی مو:** داشتن موی بلند از دیگر ویژگی‌های آراستگی و زیبایی مو بوده:

زلفش رسنی فگنده در راه
تا هر که فتد بر آرد از چاه
(نظامی، ۱۳۹۴: ۱۱۳)

کاربرد استعاری کمند برای زلف در ادبیات، علاوه بر تابداری، به بلندی آن نیز اشاره دارد:

ز کافور و گل رسته سروی بلند
فروهشته بر وی دو مشکین کمند
(فردوسی، بی تا: ۱۷۰)

۲-۴-۴. **تابداری مو:** نوعی آرایش خاص مو در اشعار دیده می‌شود که به نظر می‌رسد حالتی مثل فرامروزی بوده و آن، تابداری مو است که اگر چه به صورت طبیعی در برخی موها دیده می‌شده اما این حالت را می‌توان بعد از بازکردن موهای بافته شده نیز به دست آورد.

رخش را نام شد گلنار بربر
دو زلفش را لقب زنجیر دلبر
یکی را چشمه نوش آب داده
یکی را دست فتنه تاب داده
(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۲۳۸)

در همه منظومه‌ها، تاب داشتن و پیچ و شکن مو ستوده شده:

دو شکر چون عقیق آب داده
دو گیسو چون کمند تاب داده

(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۴۳)

وان غالیه‌های تابدارت

چونست عقیق آبدارت

(نظامی، ۱۳۹۴: ۲۸۳)

چون حواصل به زیر پر عقاب

عکس رویش به زیر زلف بتاب

(نظامی، ۱۳۸۸/ب: ۱۹۹)

۲- ۴- ۵. جمع کردن مو روی سر: به نظر می‌رسد می‌تواند منظور از تاج مشک

علاوه بر موهای انبوه، جمع کردن آن به صورت تاج بر روی سر نیز باشد:

یکی ایزدی بر سر از مشک، تاج

به بالای ساج است و هم رنگ عاج

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۳)

فرازش افسری از زر و گوهر

به سر بر افسری از مُشک و عنبر

(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۲۳۸)

۲- ۴- ۶. خوشبو کردن مو: استفاده از بوی خوش از دیرباز شناخته شده و مورد توجه

بوده: «پارسایان در بهشت، آسوده از پیری و مرگ و بیم و غم و آسیب‌اند و همیشه پرفره و

خوشبوی و خرم و پرشاد و پرنیکی‌اند و هر زمان باد خوشبوی و بویی همانند بوی گل به

پذیره آنان آید که از هر خوشی خوشتر و از هر عطر، خوشبوی‌تر است» (مینوی

خرد، ۱۳۸۰: ۳۰). «آرایشگران سلطنتی مو و ریش آنها (پادشاهان) را مجعد و سپس با

روغن‌های معطر و انواع مواد معطر روغن‌مالی می‌کردند» (شاندور، ۱۳۵۵: ۲۰۰). زدن

مشک و عنبر به مو، رسمی بوده که در بیشتر منظومه‌های عاشقانه بدان اشاره شده است. در

مورد پیدایش آنها گویند: «چون آدم(ع) از بهشت بیرون آمد... دو برگ انجیر بود که چون

آدم از حله جدا ماند... خویشتن بپوشید و حواً نیز دو برگ انجیر بکنده بود چون به دنیا

آمدند از آن دو برگ، یکی آهو بخورد تا روز قیامت از او مشک همی آید و یکی گاو

بخورد تا قیامت عنبر همی دهد.» (خلف نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۲).

سر زلفشان بر سمن مُشکسای

پری‌چهرگان، پیش خسرو، بیای

(فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳)

مشک با زلف او، جگرخواری گل ز ریحان باغ او خاری

(نظامی، ۱۳۸۸/ب: ۲۱۶)

وحید دستگردی در توضیح بیت اخیر می‌نویسد: «یعنی مشک از رشک زلف مشکینش، اسیر غمخواری بود یا آنکه جگری بود خوار و پست چون از جگر، مشک بدل می‌ساخته‌اند و مشک بدل پیش مشک اصل، خوار و بی‌قیمت است.» (همان: ۲۱۶). فخرالدین اسعد گرگانی صراحتاً به این موضوع اشاره می‌کند که مشک در گیسو کردن جزو آرایش بوده:

مشاطه مشکش اندر گیسوان کرد چو سرمه در دو چشم آهوان کرد

(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۲۴۴)

در ویس و رامین آمده علاوه بر مشک از عبیر و عنبر هم برای خوشبویی گیسوان استفاده می‌شده:

به خنده کم کنی مقدار شگر به گیسو بشکنی بازار عنبر

(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۸۷)

عبیر و مشکش اندر گیسوان کرد ز گوهر یاره اندر بازوان کرد

(همان: ۵۱)

فخرالدین اسعد گرگانی در جای دیگر، کاربرد مشک را برای استفاده زنان و عنبر را برای استفاده مردان ذکر می‌کند:

ازو مشک آر و بر گلنارم آلائی ز من عنبر بر و بر سنبلش سای

(همان: ۲۱۱)

گویا استعمال عبیر برای معطر سازی مو، تا روزگار معاصر نیز ادامه داشته که محمدکریم بن ابراهیم کرمانی در رساله مجمره به آن اشاره می‌کند. (ر.ک. ← پیامی، ۱۳۹۴: ۶۵). البته از غالبه هم که ترکیبی از مواد معطر بوده و بیشتر ذکر آن رفت، استفاده می‌شده است.

۲- ۴- ۷. رنگ مو: در تمام منظومه‌ها رنگ مورد پسند برای مو، سیاه است:

دل شب، سوادى ز گیسوی اوی مه نو، خیالی ز ابروی اوی
(بانو گشسب نامه، ۱۳۸۲: ۹۴)
زنگی زلف و خال هندورنگ هر دو بر یک طرف ستاده به جنگ
(نظامی، ۱۳۸۸/ب: ۱۱۷)

به نظر می‌رسد سیاهی رنگ مو، بیشتر به جوانی معشوق اشاره داشته باشد.

۲- ۴- ۸. **رها کردن بخشی از مو روی چهره:** حالت دیگری از آرایش مو، رها کردن مو و ریختن آن در اطراف چهره بوده است:

دو زلفش مشک و رُخ کافور و شنگرف چو زاغی اوفتاده گشته بر برف
(اسعد گرگانی، ۱۳۹۵: ۹۰)

کشیده گرد مه مشکین کمندی چراغی بسته بر دود سپندی
(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۳۲۰)

۲- ۴- ۹. **ریختن موها بر دوش:** این شیوه آرایش در هر زمانی مرسوم بوده است:

لیلی به کرشمه زلف بر دوش معجون به وفاش حلقه در گوش
(نظامی، ۱۳۹۴: ۸۷)

دو زلف چون دو هندوی زره پوش منه در ترکتازی بر سر دوش
(عطار، ۱۳۵۵: ۲۳۴)

۲- ۴- ۱۰. **استفاده از وسایل زینتی:** در گذشته نیز مانند امروزه برای آرایش مو از وسایل خاص زینتی استفاده می‌شده که گاه مثل تاج و گوهر در بیشتر منظومه‌ها و گاه مانند سرآغوش در برخی منظومه‌ها از آن نام برده شده است.

۲- ۴- ۱۰- ۱. **تاج:** استفاده از تاج زرین یا مرصع به گوهرهای گوناگون برای زینت مو مرسوم بوده:

به سر بر نهاد افسر خسروی نگارش همه گوهر پهلوی
(فردوسی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۱۵۶)

نهاد از زر و گوهر تاج بر سر چو خورشیدی که از مه دارد افسر

(اسعدگرگانی، ۱۳۹۵: ۳۰۰)

۲- ۴- ۱۰- ۲. **سر آغوش**: به معنی سر آغوج است که گیسوپوش زنان باشد و بعضی گویند دامیست که زنان بدان زیب و زینت کنند یعنی روپاکیست که مانند دام بافته- اند. (برهان). دهخدا در معنی سر آغج آورده: «گیسوپوش زنان باشد و آن کیسه‌ای است مانند همیان به درازی سه گز و بر یک سر آن کلاهی باشد و آن چیزی است که از مروارید و زر دوزند به اندام محراب و بر پیشانی گذارند و گیسو را در آن کیسه نهند و بر سر دیگرش مسلسلی بوده و آن را بر زیر بغل راست گذرانیده بر کتف چپ اندازند و در آن تکلفات کنند.»

فرو پوشید گلناری پرندی به او هر شاخ گیسو چون کمندی
کمندی حلقه‌وار افکند بر دوش زهر حلقه جهانی حلقه در گوش ...
سر آغوشی برآموده به گوهر به رسم چینیان افکنده بر سر

(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۲۵۰-۲۴۹)

۲- ۴- ۱۰- ۳. **کلاه مخصوص**: فردوسی در داستان‌های بهرام و آرزو و بهرام و دختران برزین، از گوهرهایی می‌گوید که به صورت کلاه بر سر زنان بوده:

بشد آرزو تا به مشکوی شاه ز گوهر به سر بر نهاده کلاه

(فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۷۸)

برفتند هر سه به نزدیک شاه نهاده، به سر بر، ز گوهر کلاه

(همان: ۲۶۶)

البته این ابیات می‌تواند اشاره به گوهرهایی باشد که زنان در آرایش مو از آن استفاده می‌کردند که قبلاً مطالبی در مورد آن بیان شده‌است.

۲- ۴- ۱۰- ۴. **گوهر**: در منظومه سیاوش و سودابه آمده:

فرد آمد از تخت و شد پیش اوی به گوهر بیاراسته روی و موی

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۱)

۲- ۴- ۱۰- ۵. **فرق بند:** باز کردن فرق و استفاده از فرق بند از دیگر مواردی است که مربوط به آرایش موها بوده:

بگفت این و چو سرو از جای برخاست	جبین را کج گرفت و فرق را راست
بدان آیین که خوبان را بود دست	زنخدان می گشاد و زلف می بست
جمال خویش را در خز و خارا	به پوشیدن همی کرد آشکارا
گهی می کرد نسرين را قصب پوش	گهی می زد شقایق بر بنا گوش
گهی بر فرق بند آشفته می بود	گره می بست و بر مه مشک می سود...

(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۷-۲۶۶)

۲- ۵. **آرایش موی مردان:** آنچه تا کنون گفته شد در مورد موی زنان بود اما شاعران منظومه‌ها از آرایش موی مردان نیز غافل نبوده‌اند. نظامی در بیت زیر، ابتدا به آراستگی خسرو اشاره می‌کند و در مصراع دوم از احوال شیرین سخن می‌گوید:

یکی مرغول عنبر بسته بر گوش	یکی مشکین کمند افکنده بر دوش
----------------------------	------------------------------

(نظامی، ۱۳۸۸/الف: ۹۸)

در خسرونامه آمده:

هزاران حلقه پیش مه فکنده	دو آبه ^۱ بر میان ره فکنده...
سر زلفش رسن افکنده بر ماه	دل گل زان رسن رفته فرو چاه
سر آن حلقه های زلف پرچین	شده در گردن گل طوق مشکین

(عطار، ۱۳۵۵: ۵۶)

بنا به بررسی‌های انجام شده، انواع آرایش موی مردان عبارت بود از:

۲- ۵- ۱. **بافتن مو:** در منظومه یوسف و زلیخا آنچه در توصیف موی یوسف (ع) آمده؛ نوعی بافت خاص آرایش مردانه به نظر می‌رسد:

فرو هشته مویش سیاه و دراز	از او گشته مشکین نشیب و فراز
همه بند و پیچ و همه تاب و خم	خم و پیچ وی عنبرش بیش و کم
دو صد شاخ پیچیده و تافته	گهر در همه شاخها بافته

گهر بافته تیرگون موی او همی بود پیرامن روی او
(فردوسی، بی تا: ۱۲۲)

۲- ۵- ۲. **بستن مو** از موارد رایج آرایش مو در بین مردان بوده:

اگر در بندم آری همچو مویت چو مویی سرنهم بر خاک کویت
(عطار، ۱۳۵۵: ۳۳۸)

۲- ۵- ۳. **بلندی مو**: بلندی مو، نشانه زیبایی و نوعی آرایش مو به حساب می آمده:

در آمد بر زمین افکنده گیسو بسی پر خنده و چینی بر ابرو
(همان: ۱۱۷)

ز تو چون نیست مویی حصه من چو موی تو دراز این قصه من
(همان: ۳۴۲)

۲- ۵- ۴. **چین و شکن مو** نیز جزو آرایش موی مردان بوده:

چو مویی کرده ام بی تو تن از تو چو موی تو شکن دارم من از تو
(همان: ۳۳۷)

عطار تعبیر بسیار زیبایی از حلقه سر مو دارد:

چو بی موی تو ای سرکش بماندم چو مویت پای بر آتش بماندم
(همان: ۳۴۰)

۲- ۵- ۵. **خوشبویی مو**: برای موی مردان، نمونه های اندکی از این مورد، مشاهده گردید:

بسی گفتم ز موی مشکبارت به یک یک موی، صدصد جان نثارت
(همان: ۳۴۲)

۲- ۵- ۶. **رنگ مو**: در بیشتر منظومه ها به رنگ سیاه اشاره شده که البته می تواند تیرگی آن مدنظر باشد:

دو ابروش همچون کمانی بزه سیه بود مویش هم از مشک به
(فردوسی، بی تا: ۱۲۳)

۲-۵-۷. ریختن مو بر روی چهره نیز مرسوم بوده:

الا ای مشک موی افتاده ام من چو موی تو به روی افتاده ام من
(عطار، ۱۳۵۵: ۳۳۶)

۲-۶. پیرایش: ناگفته نماند مفهوم دیگری که در ارتباط با آراستگی مو به کار برده شده؛ پیرایش است. «پیراستن مقابل آراستن آمده یعنی کم کردن از چیزی برای زینت و خوش آیند شدن و زیبا گشتن چون پیراستن موی سر و درخت و جز آن. تنقیح، تهذیب، زینت کردن با کاستن نه افزودن که آرایش باشد. (آندراج). به معنی اصلاح کردن امروزی است.

گل رخسار گانش را بیاراست	بنفشه زلفکانش را بیاراست
دو زلف و ابروانش را بیاراست	بناگوش و رخانش را بیاراست
چو مویی گر ببری سر به هیچم	چو مویت سر ز خط تو نیچم
	(عطار، ۱۳۵۵: ۳۳۸)

۳. نتیجه گیری

با بررسی مشهورترین منظومه‌های عاشقانه قرن چهارم تا ششم در مورد آرایش مو نزد ایرانیان می‌توان گفت علاوه بر توجه به آرایش ظاهر و اهمیت آراستگی نزد ایشان، در تمامی منظومه‌ها، مو (جعد، زلف، گیس و گیسو) یکی از ارکان مهم زیبایی به شمار آمده و از آن در توصیف معشوق، استفاده شده؛ زلف به موی کوتاه و گاهی بلند دو طرف گوش اطلاق می‌شده؛ گیس و گیسو هم بیشتر برای موی بلند زنان به کار می‌رفته؛ منظور از جعد هم، بیشتر حالت پیچان و حلقوی سر زلف زنان بوده است. بلندی، تاب‌داری، سیاهی و مشکبویی از ملاک‌های مشترک زیبایی مو در بین زنان و مردان است. با اینکه رها کردن مو و ریختن آن بر شانه، باز کردن فرق، استفاده از کلاه مخصوص یا سرآغوش و بستن مو پشت سر، مهم‌ترین انواع آرایش موی زنان بوده ولی آرایش مو، تنها به زنان

اختصاص نداشته؛ بافتن، بستن، بلندی و تاب دادن مو، خوشبویی و استفاده از زینتهایی مثل تاج و گوهر از موارد مشترک این آرایش است البته تفاوت‌هایی در آنها دیده می‌شود؛ برای مثال در نوع بافتن مو و استفاده از ماده خوشبوکننده اختلافاتی وجود دارد. برای خوشبو کردن موها، مواد مختلفی به کار می‌رفته که یا مانند مشک و عنبر، منشأ حیوانی داشتند یا مانند غالیه (مشک + عنبر + ...) و عبیر (صندل + گلاب + مشک و گاهی زعفران) ترکیبی از مواد خوشبو بودند.

به نظر می‌رسد محتوای منظومه‌ها، تأثیر بسزایی در پرداختن به آراستگی ظاهری افراد دارد زیرا توصیفات زیبای آرایش مو، در منظومه‌های غنایی ویس و رامین و خسرو و شیرین دیده می‌شود و در دو منظومه بانوگشسب‌نامه و گرشاسب‌نامه که زمینه حماسی دارند، این موضوع کمتر به چشم می‌خورد. بیشترین توصیفات موی مردان را در منظومه‌های ویس و رامین، یوسف و زلیخا و خسرونامه می‌توان دید. مکان و زمان زندگی شاعر و خاستگاه داستان نیز در بیان توصیف انواع آرایش، بی‌تأثیر نبوده برای مثال فردوسی از نوعی بافتن مو و کلاه مخصوص زنان سخن به میان می‌آورد و نظامی از استفاده از سرآغوش می‌گوید که در جای دیگر دیده نشد. از نظر زمان، منظومه‌های قرن ششم، زیباترین توصیفات آرایش مو را در خود گنجانده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. ذوآبه: ناصیه یا منبت موی بر ناصیه. پیشانی یا رستگاه موی بر پیشانی. یک لاغ گیسو. گیسوی بافته شده. (لغتنامه دهخدا).

کتابنامه

- قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۱). **پاداش نیکبیا و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال**، ترجمه محمدعلی مجاهدی، قم: انتشارات سرور.

- ابن بابویه، محمد بن علی، (بی‌تا). **الخصال**، ترجمه احمد فهری زنجانی، جلد ۱، تهران: علمیه اسلامیه.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۸۸). **دفع المضار الكلية عن الأبدان الإنسانية** (دور ساختن هر گونه زیان از تن آدمیان)، چاپ: دوم، تهران: المعی.
- ابو ریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۸۳). **الصیئنة فی الطب** (داروشناسی در پزشکی)، مترجم باقر مظفرزاده، تهران: گروه نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). **گرشاسب نامه**، چاپ دوم، تهران: طهوری.
- اسعد گرگانی، فخرالدین. (۱۳۹۵). **ویس و رامین** با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن. چاپ ششم. تهران: صدای معاصر.
- **بانوگشاسب نامه**. (۱۳۸۲). مقدمه تصحیح و توضیح دکتر روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهاء الدوله، بهاء الدین بن میر قوام الدین، (۱۳۸۷). **خلاصة التجارب** (طبع جدید)، تهران: دانشگاه علوم پزشکی.
- پادشاه محمد، (۱۳۳۵). فرهنگ آندراج، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- پیامی، بهناز، (۱۳۹۴). **بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی «مجمعه رساله در عطر کشی» با نگاهی به تاریخچه عطر و عطرسازی**، نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱۸، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۹۴، صص ۷۹-۵۵.
- جرجانی، اسماعیل بن حسن، (۱۳۹۱). ذخیره خوارزمشاهی، جلد ۸، قم: مؤسسه احیاء طب طبیعی.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰). **الحیاء** ترجمه احمد آرام، جلد ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلف نیشابوری، ابو اسحاق ابراهیم بن منصور. (۱۳۸۶). **قصص الانبیاء**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاندرور، آلبر. (۱۳۵۵). **کوروش کبیر**، ترجمه هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران.
- عطّار نیشابوری. (۱۳۵۵، سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی) **خسرونامه**. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری.
- عطّار نیشابوری. (۱۳۹۰). **منطق الطیر (شیخ سميعان)**، به اهتمام و تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ بیست و هفتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- عقیقی، رحیم. (۱۳۹۱). **فرهنگنامه شعری** (بر اساس آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری)، سه جلد، چاپ سوم، تهران: سروش.
- عقیلی علوی شیرازی، سید محمد حسین بن محمد هادی، (بی تا). **قربادین کبیر**، جلد ۲، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
- عیوقی. (۱۳۴۳). **ورقه و گلشاه** به اهتمام ذبیح الله صفا. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فردوسی. ابوالقاسم. (۱۳۸۵). نامه باستان (**بیژن و منیژه**). ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. **جلد پنجم**. چاپ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- فردوسی. ابوالقاسم. (۱۳۸۶). نامه باستان (**زال و رودابه**). ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. **جلد اول**. چاپ ششم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- فردوسی. ابوالقاسم. (۱۳۸۶). نامه باستان (**سیاوش و سودابه**). ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. **جلد سوم**. چاپ سوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- فردوسی. ابوالقاسم. (۱۳۸۵). نامه باستان (**بهرام و آرزو- بهرام و دختران آسیابان- بهرام و دختران برزین**). ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. **جلد هفتم**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- فردوسی. ابوالقاسم. (۱۳۸۷). نامه باستان (**خسرو و شیرین**). ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از دکتر میر جلال‌الدین کزازی. **جلد نهم**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- فردوسی. ابوالقاسم. (بی تا). **یوسف و زلیخا**. (بی جا).
- معین، محمد. (۱۳۸۶). **فرهنگ فارسی**. جلد دوم. چاپ بیست و چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- **مینوی خرد**. (۱۳۸۰) ترجمه احمد تفضلی به کوشش ژاله آموزگار. ویرایش سوم. تهران: توس.
- نظامی گنجوی. (۱۳۸۸/الف). **خسرو و شیرین**. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی. چاپ دوم. تهران: انتشارات زوآر.

- نظامی گنجوی. (۱۳۹۴). **لیلی و مجنون**. تصحیح و شرح مجدد از روی ۱۴ نسخه خطی دکتر بهروز ثروتی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نظامی گنجوی. (۱۳۸۸/ب) **هفت پیکر**. با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان. چاپ هشتم. تهران: انتشارات قطره.
- نفیسی، میرزا علی اکبر، (بی تا). **فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء)**، تهران: خیام.

نرم افزارها

- **لغت نامه دهخدا**: دانشگاه تهران.
- **جامع الاحادیث**: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

References

- *The Noble Qur'an.
- Afifi, R. (2012). *Farhangnameh Shera (based on poets from the 3rd century to 11th century)*. Vol.3, 3rd ed. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Aghili Alavi Shirazi, M. H. (n. d.). *Ghrabadin- e Kabir*, Vol. 2, Tehran University of Medical Sciences and Health Services: Institute of Medical History. Islamic and Complementary Medicine. (In Persian)
- Al- Biruni Abu Rayhan, M. (2004). *Assaydanat fe- tteb*: (Pharmacology in medicine). (B. Mozaffarzadeh, Trans.). Tehran: The Academy of Persian Language and Literature Publications. (In Persian)
- As'ad Gurgani, F. (2016). *Vis and Ramin*. In Mohammad Roshan(Ed.). 6th ed. Tehran: Sedaye Mo'aser. (In Persian)
- Asadi Tusi, Abu Nasr, A. (1975). *Garshasbnameh*. 2nd ed. Tehran: Tahouri. (In Persian)
- Ayyuqi. (1964). *Warqa and Gulshan*. In Zabih- ul- lah Safa(Ed.). 1 ed. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Baha- od- doleh, B. (2008). *Kholasato- tajarob*. New edition. Tehran: University of Medical Sciences. (In Persian)
- Dekhoda, A. A. *Dekhoda Dictionary*. (In Persian)

- Ferdowsi, A. (2006). Ancient Book. (*Bijan and Manijeh*). (Mir Jalal- od- din Kazzazi). The Edition and Interpretation of Shahnameh of Ferdowsi. Vol. 5, 2nd ed. Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ferdowsi, A. (2007). Ancient Book. (*Zal and Roudabeh*). (Mir Jalal- od- din Kazzazi). The Edition and Interpretation of Shahnameh of Ferdowsi. Vol. 1, 6th ed. Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ferdowsi, A. (2008). Ancient Book. (*Rostam and Tahmineh*). (Mir Jalal- od- din Kazzazi). The Edition and Interpretation of Shahnameh of Ferdowsi. Vol. 2, 4th ed. Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ferdowsi, A. (2007). Ancient Book. (*Siyavash and Soudabeh*). (Mir Jalal- od- din Kazzazi). The Edition and Interpretation of Shahnameh of Ferdowsi. 3rd Vol. 3rd ed. Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ferdowsi, A. (2006). Ancient Book. (*Bahram and Arezoo- Bahram and Dokhtarane asiyan- Bahram and Dokhtarane Barzin*). (Mir Jalal- od- din Kazzazi). The Edition and Interpretation of Shahnameh of Ferdowsi. Vol. 7, Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ferdowsi, A. (2008). Ancient Book. (*Khosrow and Shirin*). (Mir Jalal- od- din Kazzazi). The Edition and Interpretation of Shahnameh of Ferdowsi. Vol. 9, Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (In Persian)
- Ferdowsi, A. (n. d.). *Joseph and Zuleika*. (no place). (In Persian)
- Hakimi, M. R., Hakimi, M. & Hakimi, A. (2001). *Al- hayat*. (A. Aram, Trans.). Vol. 6, Tehran: Publication of Islamic Culture. (In Persian)
- Ibn-e- Babawiyah, M. (2002). *Padash-e nikiha va keifar- e gonahan*. (M.A. Mojahedi, Trans.). *Savab- ul a'mal*. Qom: Sorour Press. (In Persian)

- Ibn-e- Babawiyah, M. (n. d.). *Al- khesal*. (A. Fahri Zanjani, Trans.). Vol 1, Tehran: Elmiyeh Eslamiyeh. (In Persian)
- Ibn- e- Sina, H. (2009). *Daf- ul- mazar- el- koliyat an-el- ebdane- el- ensaniyat*. (Fending all damages to human body). 2nd ed. Tehran: Al- ma'ee. (In Persian)
- Jorjani, E. (2012). *Zakhireieh Kharazamshahi*. Vol 8, Qom: Innate Medical Institute. (In Persian)
- Khalaf Nishaburi, Abu Isaq, E. (2007). *Qisas- ul- Anbiya*. Tehran: Center of Scientific and Cultural Press. (In Persian)
- Kerachi, R. Introduction and correction. (2003). *Banu Goshasbnameh*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Kulayni, M. (1984). *Gozidey- e- kafi*. (M. B, Behboudi, Trans.). Tehran: Center of Scientific and Cultural Press. (In Persian)
- Moin, M. (2007). *Persian Dictionary*. Vol. 2, 24th ed. Tehran: Amir Kabir Press. (In Persian)
- Nafisi, A. A. (n. d.). *Farhang-e nafisi: Nazem- ul- ateb'a*. Tehran: Khayyam. (In Persian)
- Nezami Ganjavi. (2009). *Haft Peikar*. In Hassan Vahid Dastgerdi and Saeed Hamidiyan (Ed.). 8th ed. Tehran: Ghatreh Press. (In Persian)
- Nezami Ganjavi. (2009). *Khosrow and Shirin*. In Hassan Vahid Dastgerdi (Ed.). 2nd ed. Tehran: Zavvar Press. (In Persian)
- Nezami Ganjavi. (2015). *Laili and Majnun*. (Behrouz Servati) Correction and re-description from 14 manuscripts. 4th ed. Tehran: Amir Kabir Press. (In Persian)
- Nishaburi, A. (1976). *Khosrownameh*. In Ahmad Soheili Khansari (Ed.). (In Persian)
- Nishaburi, A. (2011). *The conference of the birds (Sheikh San'an)*. In Seyyed Sadegh Goharin (Ed.). 27th ed. Tehran: Center of Scientific and Cultural Press Co. (In Persian)
- Padeshah, M. (1956). *Farhang A'nandra'j*. (M. Dabirsiaghi, view). Tehran: Khayyam. (In Persian)
- Payamni, B. (2015). Stylistic and substantive review of the manuscript of Mejmareh; thesis in perfume making: A historical review of perfume and perfume making. *Journal of Literature and Language Faculty of Literature and Humanities Shahid Bahonar University of Kerman*, 18(38), 55- 79. (In Persian)

-
- S'andor, A. (1976). *Cyrus The Great*. (H. Hedayati, Trans.). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
 - Tafazzoli, A. (Trans.). (2001). In Zhaleh Amouzegar (Ed.). *Minooy-e khrad*. 3rd (Ed.). Tehran: Tous. (In Persian)